

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات کمک‌رسانی آن‌ها

احمد غیاثوند* ، سعیده امینی** ، زینب رضیئی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۴

چکیده

امروزه بررسی تلقی افراد از کمک‌رسانی، نحوه و چگونگی آن در شرایط زلزله از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف توصیف و تبیین وضعیت کمک‌رسانی مردم شهر تهران در زلزله کرمانشاه انجام گرفته است. به منظور نیل به این هدف، چارچوب نظری با اتکا به نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی (مبادله اجتماعی جان پیلاوین، نظریه فرآیند تصمیم‌گیری لاتانه و دارلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آلوین گلدنر) تدوین و فرضیاتی بر پایه آنها تنظیم گردید. به منظور آزمون فرضیات از روش پیمایش استفاده شد. حجم نمونه تحقیق ۲۲۰ نفر از ساکنان بالای ۱۸ سال شهر تهران و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله بوده است. نتایج بدست آمده نشان داد که ۶۹ درصد مردم شهر تهران در زلزله کرمانشاه کمک کرده‌اند که حدود ۴۸ درصد کمک‌ها نقدی و ۳۶ درصد غیرنقدی بوده است. نتایج تبیینی حاصل از نرم‌افزار PLS نشان داد که وضعیت مالی افراد با ضریب ۲۹ درصد، میزان اطمینان مالی به نهادهای کمک‌رسان با ضریب ۱۹ درصد، تجربه در موقعیت زلزله‌های گذشته با ضریب ۲۰ درصد و کسب پاداش معنوی با ضریب ۱۶ درصد بوده است.

واژه‌های کلیدی: کمک‌رسانی، مسئولیت اجتماعی، نوع‌دوستی، احساس همدلی، اعتماد سازمانی.

Ah.ghyasvand@gmail.com

Saeedeh.amini280@gmail.com

Zrazie2013@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

طرح مسئله

جوامع امروزی در طول حیات خود با بحران‌های متعددی از جمله سوانح و بلایای طبیعی مواجه شده‌اند که در این میان، کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نخواهد بود. پیامدهای ناشی از خسارات بلایای طبیعی، مانند زلزله به دلیل برهم زدن نظم اجتماعی، همواره مورد توجه بوده و پیامدهای آن به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی از زوایای مختلف قابل بررسی می‌باشد. «بررسی و مقایسه نقشه‌بندی زمین‌لرزه و پراکندگی جمعیت در پهنه شدت‌های مختلف خطر نسبی زمین‌لرزه، نشان می‌دهد که ۸۲ درصد جمعیت کشور در پهنه با خطر نسبی، زیاد و خیلی زیاد زمین‌لرزه سکونت دارند. همچنین آمارها نشانگر زلزله ویرانگر در فاصله زمانی هر سه سال یک‌بار در برخی از مناطق جغرافیایی کشور است» (عنبری، ۱۳۸۷: ۲۲۱). در واقع با وجود کاهش تلفات در چند دهه به دلیل افزایش اقدامات فنی برای مواجهه با زلزله، توجه به نیروی انسانی و افزایش شناخت و دستیابی به واکنش مردم در شرایط زلزله از اهمیت بسیاری برخوردار است.

از این رو، درک عمیق‌تر رفتارهای مطلوب اجتماعی افراد جامعه در شرایط زلزله مهم به نظر می‌رسد. بنابراین برای شناخت چگونگی تکوین این کنش‌ها باید خصوصیات پایدار افراد و شرایط و موقعیت‌هایی که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان انگیزه‌ها یا فشارها و عوامل بازدارنده تعبیر کرد، مورد توجه قرار گیرند. «شرایط و موقعیت‌ها مشخصه‌هایی دارند که از طریق القای تعبیر و تفسیرهای خاص یا تشخیص موقعیت (اضطراری یا غیراضطراری) در ایجاد انگیزه کمک‌رسان‌های بالقوه نقش مؤثری ایفا می‌کنند. همچنین عوامل موقعیتی ممکن است نقش بازدارنده داشته باشند. دیالکتیک موقعیت و خصوصیات پایدار اشخاص منجر به شکل‌گیری انگیزه‌هایی خاص و برانگیخته شدن حس نوع‌دوستی و در نهایت احتمال مداخله کردن او در موقعیت را افزایش می‌دهد» (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷).

البته اهمیت رفتارهای کمک‌رسان و نوع‌دوستانه در عرصه اجتماعی و در زمینه‌های گوناگون سبب شده پژوهش‌های داخلی (عنبری، ۱۳۸۲؛ امینی، ۱۳۹۴؛ یگانه، ۱۳۹۶؛ جعفری و کریمی، ۱۳۹۲) و خارجی (Nowak & Highfield, 2011; Huneycut,) (Tyink, 2006; 2013) متعددی از منظرهای گوناگون، رخداد این رفتارها را به‌ویژه در شرایط اضطراری بررسی نمایند. مصیبت، فاجعه، بلایای طبیعی نظیر سیل و زلزله شرایط اضطراری‌اند که خاستگاه آنان طبیعت است و درهم‌تنیدگی آن‌ها با امر اجتماعی نگاه جامعه‌شناختی را حساس می‌سازد تا کنشگری اجتماعی پیرامون یک امر طبیعی و پیامدهای ناشی از آن را بررسی نماید.

در جامعه ایران موقعیت خاص جغرافیایی و زلزله‌خیز بودن کشور پیامدهایی را به همراه دارد که رویکرد جامعه‌شناسانه و روان‌شناسی اجتماعی در تلاش برای مدیریت و بهبودبخشی اوضاع و احوال پس از زلزله است. «عدم توجه به مؤلفه‌های اجتماعی در مدیریت بحران و کمک‌رسانی در زلزله غرب کشور، موجب شد که بسیاری از مردم شخصاً در محل زلزله حضور یابند و کمک‌های خود را به دست مردم زلزله‌زده برسانند؛ این امر قبل از آن‌که نشان از روح نوع‌دوستی ما ایرانیان باشد، به تعبیری نشانه‌ای از فقدان و ضعف اعتماد نهادی در جامعه ماست که متأسفانه با رجوع به مطالعات متعددی که در این زمینه صورت گرفته است، درمی‌یابیم که در زلزله بم نیز شاهد مسائلی از این قبیل بوده‌ایم» (عنبری، ۱۳۸۷: ۲۲۱).

بر این اساس، حضور چشمگیر شهروندان تهرانی و مشارکت گسترده آن‌ها در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان غرب کشور، به لحاظ جامعه‌شناختی قابل مطالعه است. شهر تهران به دلیل تراکم بالای جمعیتی و رشد روزافزون فردگرایی و تنوع قومیتی و فرهنگی برای بهبود کارایی در زمینه کمک‌رسانی نیازمند نوعی از انسجام‌بخشی در کمک‌رسانی و اعتمادسازی نهادی است. این امر بدون بررسی نگرش و تجربه کمک‌رسانی در شرایط زلزله و انگیزه مردم در کمک‌رسانی میسر نخواهد بود. بدیهی است که آشنایی با طرز تفکر و تلقی مردم و عوامل مؤثر بر میزان و چگونگی

کمک‌رسانی در شرایط بحران به مدیران و سیاست‌گذاران در جهت طراحی اقدامات اجرایی برای پیشگیری و بهسازی شرایط، کمک می‌کند تا نگرش واقع‌بینانه نسبت بدان داشته باشند.

با توجه به رخداد زلزله اخیر در استان کرمانشاه (آبان ۹۶) و نیز وضعیت کمک‌رسانی مردم در سطح گسترده و از سویی حضور چشمگیر شهروندان تهرانی و مشارکت آن‌ها، پژوهش حاضر به توصیف و تبیین این پدیده پرداخته است. در واقع با انجام این مطالعه می‌توان به تحلیل و تفسیر این امر پرداخت که مردم چگونه و در چه شرایطی و به چه علت کمک می‌کنند؟ دستیابی به چنین نتایجی منجر به توسعه و غنای نظری و تجربی در حوزه کمک‌رسانی در شرایط اضطراری می‌شود. همچنین می‌تواند برای مسئولان هلال‌احمر، کمیته امداد و نیروهای نظامی و سازمان‌های دولتی و ... مفید باشد؛ چرا که فهم علل کمک‌رسانی مردم موجب می‌گردد که نهادهای متولی، در سازمان‌دهی کمک‌های مردمی موفق‌تر عمل کنند و از مشارکت عمومی بهتر استقبال نمایند؛ زیرا بسیاری از حوادث و بحران‌ها و بلایای طبیعی علاوه بر اینکه متولیان خاصی دارند که به نوبه خود برنامه‌هایی برای مواجهه با آن‌ها دارند، مستلزم مشارکت اجتماعی مردم نیز می‌باشند. بنابراین در این پژوهش سؤالات اساسی عبارت‌اند از: ۱- واکنش مردم شهر تهران درباره وقوع زلزله چگونه است؟ و ۲- چه عواملی بر رفتار کمک‌رسانی آن‌ها تأثیرگذار بوده است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیشینه تجربی پژوهش

مهدی یگانه (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به کمک‌رسانی در شرایط اضطراری در بین مردم شهر تهران» به بررسی نحوه کمک‌رسانی مردم شهر تهران در شرایط اضطراری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. در بحث از شرایطی که منجر به کمک‌رسانی کمتر یا بیشتر می‌شود، یافته‌ها نشان داد که بین پاداش

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۳۱

معنوی، منفعت‌گرایی و مسئولیت‌پذیری، تجربه یا ادراک کمک‌رسانی فرد و همچنین هنجار اجتماعی کمک‌رسانی با گرایش پاسخگویان به کمک‌رسانی در شرایط اضطراری رابطه معناداری وجود دارد. در مقابل بین گرایش به کمک‌رسانی مردم با اعتماد اجتماعی، همدلی، جنس و وضعیت تأهل پاسخگویان رابطه معناداری وجود ندارد.

سعیده امینی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی کنش دگردوستانه شهروندان تهرانی» (دو مقطع ۱۳۸۴-۱۳۹۴) به بررسی وضعیت کنش‌های دگردوستانه شهروندان تهرانی پرداخته است و روند تغییرات عوامل اثرگذار بر این امر اخلاقی را نشان می‌دهد. در هر دو پیمایش از میان متغیرهای اثرگذار، بیشترین تغییرات کنش دگردوستانه را سرمایه اجتماعی تبیین می‌کند. همچنین، در هر دو پیمایش رابطه نگرش دگردوستانه و کنش دگردوستانه معنادار بوده و رابطه نوع دینداری با کنش دگردوستانه در پیمایش ۱۳۸۴ معنادار بوده و در پیمایش سال ۱۳۹۴ معنادار نبوده است.

محمد رضا حسینی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع‌دوستانه در بین شهروندان همدانی»، به بررسی رفتار کمک‌رسانی هنگام بروز یک موقعیت اضطراری، بحرانی و نقش عوامل مداخله‌گر و تسهیلگر در آن پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین نهادگرایی، شهرگرایی، غفلت جمعی، لوث مسئولیت و رفتارگرایی و نوع‌دوستی، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر؛ نهادگرایی، شهرگرایی، لوث مسئولیت، غفلت جمعی و تعلق به اصول رفتارگرایی باعث کاهش میزان نوع‌دوستی در افراد می‌گردد.

محمد حسن مقدس جعفری و رضا کریمی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم بعد از وقوع زلزله بم و عوامل مؤثر بر آن» به بررسی این امر پرداختند. نتایج نشان دادند که احساس تعلق اجتماعی، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی با میزان مشارکت اجتماعی جوانان دارند و بین متغیرهای سن، تحصیلات، تقدیرگرایی، تأثیرپذیری از

روابط خویشاوندی، آزادی اجتماعی و مدت زمان با مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود ندارند و بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه زنان و مردان و همچنین در گروه‌های مختلف دانشجویی، دانش‌آموزی، زنان خانه‌دار، شاغلین و بیکاران تفاوت معناداری وجود دارد.

موسی عنبری (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌ها و راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امداد حوادث غیرمترقبه» انجام داده است که در آن ترکیبی از روش پیمایش و مصاحبه‌های اکتشافی با مدیران اجرایی امدادی و محققان صاحب‌نظر انجام شده است و این پژوهش مشارکت را در سه سطح شناخت (اعتقاد و آگاهی، نگرش (آمادگی و تعهد به عمل) و کنش (عمل و اقدام و مشارکت) بررسی می‌کند. نقش اساسی متغیرهای سطح دانش و آگاهی در مورد حوادث تهدیدکننده شهر، منفعت‌گرایی در عمل مشارکتی، تجربه کمک در حوادث پیشین، همدلی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی در برابر دیگران و حوادث، بر میزان مشارکت امدادی افراد، اشاره می‌کند.

نائومی اوکی^۱ (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تجربی نگرش‌های عمومی در ژاپن بعد از زلزله و سونامی ۲۰۱۱» با الهام از محدودیت‌های شدید در زمینه نیروی انسانی که شهرداری‌های شهرهای آسیب‌دیده در زلزله ژاپن و سونامی متعاقب با آن مواجه شدند، با این سؤال اساسی که چه کسی حاضر است فعالان خدمات عمومی منطقه خود را در اختیار شهرداری‌های مناطق فاجعه دیده قرار دهد؟ به بررسی تمایل مردم ژاپن به قرار دادن فعالان خدمات عمومی مناطق خود در اختیار شهرداری‌های متأثر از فاجعه پرداخته است. انجام یک زمینه‌یابی روی نمونه‌ای از شهروندان ژاپنی ۱۵ تا ۷۹ ساله نشان داد که اکثریت مردم به قرار دادن فعالان خدمات عمومی مناطق خود در اختیار شهرداری‌های متأثر از فاجعه تمایل دارند، مشروط بر آنکه این موجب مشکلات در شهرداری منطقه زندگی خودشان نشود یا اینکه ایجاد مشکل بیش‌ازحد نباشد.

همچنین مشخص شد که اینکه فرد خود دریافت‌کننده کمک یا قربانی فجایع طبیعی بوده باشد در تمایل به کمک تفاوت ایجاد می‌کند (Aoki, 2017).

جنی مورنو^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش جوامع در مقابله با بلایای طبیعی: درس‌های زلزله و سونامی شیلی» به بررسی انعطاف‌پذیری جامعه و نقش مردم در کاهش آسیب‌های زلزله در شیلی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش شبکه‌های اجتماعی، سازمان، همکاری، اعتماد، دانش محلی و مشارکت در تمام مراحل فاجعه حیاتی است. این تحقیق همچنین نشان داد که در روستاهای ماهیگیری، دانش محلی ماهیگیران، احساس جامعه و همکاری، اجازه تخلیه سریع را داد. درس‌هایی از زلزله ۲۰۱۰ و سونامی در شیلی می‌تواند یک ابزار مفید برای مدیریت شرایط اضطراری در جوامع آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی سیاست‌های کاهش مؤثر و پایدار خطرات فاجعه در کشورهای در حال توسعه باشد.

در مجموع آنچه در مرور بیشتر پژوهش‌های خارجی قابل توجه است تأکید و توجه به نقش نیروهای محلی و مردمی بر تسریع و بهبود فرآیند کمک‌رسانی است. البته در پژوهش‌های داخلی توجه به مشارکت و کمک‌رسانی مردمی کمتر دیده می‌شود. به همین جهت در این مقاله سعی می‌گردد که با بهره‌گیری از تحقیقات تجربی داخلی و خارجی به بررسی دقیق و تخصصی عوامل مؤثر بر کمک‌رسانی مردم در کلان‌شهر تهران بپردازیم.

چارچوب نظری

رخداد رفتارهای کمک‌رسان و چیرگی آن‌ها در سطح مناسبات بین فردی تابع متغیرهای گوناگونی است. رویکردهای نظری متعددی در عرصه روان‌شناسی اجتماعی به‌طور مستقیم به تبیین این امر پرداخته‌اند و رویکردهای جامعه‌شناختی به‌گونه‌ای تلویحی تر به

چرایی بروز و ظهور این‌گونه کنش‌ها توجه نموده‌اند. با توجه به اهمیت اساسی کمک‌رسانی در روابط اجتماعی که تقریباً از اواسط دهه ۱۹۶۰ به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته، این مسئله نیز در ایران مورد توجه جدی قرار گرفت.

برای بررسی علل کمک افراد در شرایط اضطراری مانند زلزله می‌توان از رویکردهای مختلف بهره گرفت. در سطح خرد و عاملیتی و با توجه به نظریه‌های روانشناسی اجتماعی؛ کمک به دیگران در شرایط اضطراری می‌تواند تحت تأثیر میزان احساس همدلی و دلسوزی افراد باشد. فصل مشترک همدلی و استدلال اخلاقی، دغدغه داشتن نسبت به مسائل دیگران است. اما نکته قابل تأمل اینکه افرادی که با بدبختی‌ها و گرفتاری‌های دیگران روبه‌رو می‌شوند معمولاً با استدلال اخلاقی آغاز نمی‌کنند؛ بلکه با احساس همدردی که مغایر و مخالف با گرایش‌های خودخواهانه است شروع می‌کنند. به‌زعم باتسون و همکاران (۱۹۸۳) معیارهای «خود را به‌جای دیگری گذاردن» با رفتارهای کمک‌رسان رابطه نظام‌مندی دارند و شواهد موجود در این زمینه از نظر ادراکی، اجتماعی و اخلاقی کاملاً معتبر و موثق هستند؛ اما از نظر عاطفی چندان مستند نیست؛ دلیل آن پیچیدگی روابط بین همدلی عاطفی و رفتارهای کمک‌رسان است (Batson et al, 1983).

به اعتقاد هوفمن چند روش برای انگیزش حس همدلی وجود دارد که هرکدام می‌توانند جداگانه و یا به‌صورت ترکیبی عمل کنند. بر اساس این فرضیه، حس همدلی ممکن است در شرایط کاملاً متفاوتی برانگیخته شود. بنابراین احتمال دارد طیف وسیعی از موقعیت‌های گوناگون موجب ایجاد پریشانی توأم با همدردی شود. طبق این نظریه شخصی که شاهد یک موقعیت اضطراری است، در او هم‌حسی برانگیخته می‌شود و این انگیزه او را وادار به دخالت و ارائه کمک می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). هم‌حسی شامل پاسخ خاص عاطفی و شناختی به حالت‌های هیجانی شخص دیگر است و شامل همدردی، تمایل به حل مسئله و اتخاذ چشم‌انداز شخص دیگر است (بارون و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۷۹). نظریه هم‌حسی بیشتر بر ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی افراد در

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۳۵

کمک‌رسانی تأکید دارد. البته برخی محققان معتقدند که نوع دوستی ناب وجود ندارد، یعنی کمک‌رسانی همیشه به نحوی به وسیله خودخواهی تحریک می‌شود که تمایل به دستیابی به پاداش‌های شخصی در قالب احساسات مثبت کمک‌رسانی است (اسمیت و مکی، ۱۳۹۲: ۶۱۹).

در واقع برخی پژوهشگران معتقدند که همدلی موجب احساس ناراحتی شخصی می‌شود. بنابراین کمک کردن به دیگران در درجه اول با هدف کاهش احساس ناراحتی خود است نه احساس ناراحتی دیگران (بدار، ۱۳۸۹: ۲۶۱). بر این اساس تفسیری خودخواهانه از همدلی ارائه می‌گردد نه دگرخواهانه. اگر در شرایط اضطراری خودمحوری شخص زیاد باشد مشاهده‌گر، درد و رنج دیگران را با موقعیت‌های مشابهی که شخصاً با آن مواجه شده مقایسه می‌کند. با تجسم آن موقعیت‌ها برای خود، شخص آسیب‌دیده در نظر مشاهده‌گر محو می‌شود و او به دلیل رنجی که خود در آن موقعیت خاص متحمل شده احساس رنجش و خشم می‌کند. اگر دیگرمحوری غالب باشد درد و رنج شخص دیگر در وی احساس همدردی را برمی‌انگیزد (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

علاوه بر این آنچه افراد را به همدلی و رفتارهای کمک‌رسان ترغیب می‌کند احساس خوشایندی است که در اثر کمک کردن به دیگران حاصل می‌شود و این احساس به مثابه پاداشی است که احتمال تکرار رفتار در آینده را افزایش می‌دهد. انتظار عمل متقابل از سوی کمک‌گیرنده همراه با انواع پاداش‌ها (احترام، شهرت، سپاسگزاری و...) در این جهان و آموزش در جهان دیگر است (بارون و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۰۳). بر این اساس این صورت از رفتار، خودخواهی را در بطن خود مستتر دارد و رفتارهای کمک‌رسان و کنش‌های دگردوستانه، ناب و خالص وجود ندارد و بر این رفتارها نیز رویکرد مبادله‌ای غالب است و محاسبه هزینه و فایده بنیان آن‌ها را شکل می‌دهد. در واقع اگر احساس همدلی به هر دلیلی به وجود نیاید، در این حالت است که تئوری مبادله اجتماعی کارکرد پیدا می‌کند، در این حالت اگر تأیید فرد کمک‌کننده و ناظران

ماجرا، نصیب فرد کمک‌رسان شود، به کمک‌رسانی و امداد می‌پردازد (آرونسون و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

در بحث از رویکردهای مبادله مبتنی بر پنداشت سود و زیان، برای بررسی علل کمک‌رسانی می‌توان به میزان پاداش معنوی و یا مادی که در آینده نصیب فرد می‌شود، اشاره کرد. جان پیلیاوین نیز در چارچوب نظریه مبادله اجتماعی، یک نظریه پنج مرحله‌ای را در تبیین بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی مطرح می‌کند که بنیاد آن محاسبه هزینه - پاداش است. به اعتقاد او، افراد ناظر در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری، به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی را بررسی می‌کنند؛ در صورتی که هزینه کمک کردن پایین یا هزینه کمک نکردن بالا باشد، فرد ناظر اقدام به نوع‌دوستی خواهد کرد و در صورتی که هزینه کمک کردن بالا یا هزینه کمک نکردن پایین باشد، فرد ناظر با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت. در واقع مبنای نظریه مبادله اجتماعی این است که زمانی افراد به کمک دست می‌زنند که پاداش آن از هزینه افزون‌تر باشد؛ به عبارتی دیگر، کسانی که از تجربیات نوع‌دوستانه گذشته خود خسارت دریافت نموده‌اند و کسانی که بر اساس شنیده‌ها و تجربه‌های دیگران تصور می‌کنند در صورت مداخله، خسارت خواهند دید و به دردسر خواهند افتاد به این کار مبادرت نخواهند کرد.

عامل دیگری که ما را به سوی رفتارهای کمک‌رسان سوق می‌دهد، مسئولیت اجتماعی است. به‌زعم برکویتز و بیرهوف مسئولیت اجتماعی دارای دو بُعد است: برآورده کردن اخلاقی انتظارات دیگران و تبعیت از مقررات اجتماعی. برآورده کردن اخلاقی انتظارات دیگران بر قابل‌اعتماد بودن و رفتار کردن به‌عنوان یک عضو خوب و شایسته جامعه متمرکز است. این تعریف شامل احساس تعهد است که با حس ارتباط و پیوستگی به افراد نیازمند مرتبط بوده و به قدرت جهت‌گیری اخلاقی اشاره دارد. تبعیت از مقررات اجتماعی به پذیرش معیارهای اجتماعی و پیروی از قواعد اجتماعی معطوف

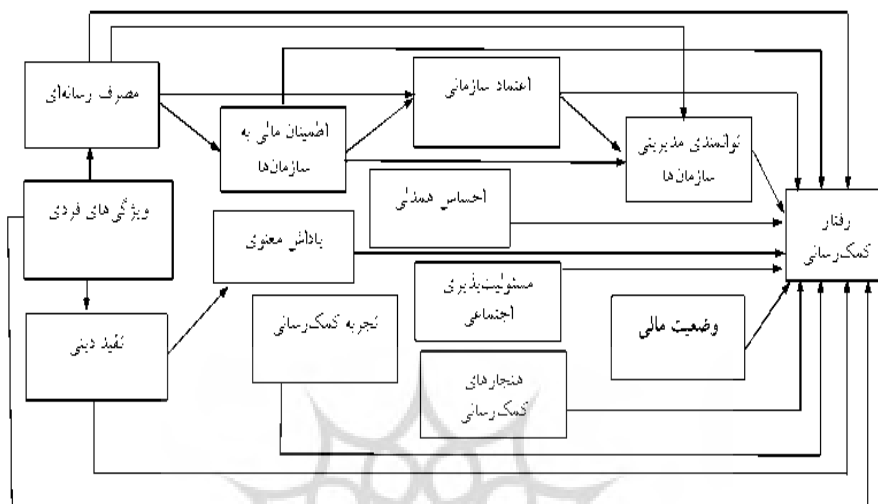
می‌شود. به عبارت دیگر، بُعد اول به معنای عمل کردن بر طبق جوهره انسانی است و بُعد دوم، به الزام‌های اجتماعی در شرایط اضطراری اشاره دارد (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۲۴۲). اینک شهروندان در قبال حوادث اجتماعی منفعل نباشند و احساس مسئولیت کنند بسیار مهم است. مسئولیت اجتماعی، هنجاری است که بر اساس آن باید به افرادی که نیازمند هستند، مخصوصاً کسانی که به کمک ما وابسته‌اند، بدون هیچ چشم‌داشتی، کمک کرد (برکوویتز، ۱۳۸۸: ۹۱). آنچه بر تأثیر هنجار مسئولیت‌پذیری می‌افزاید شامل مواردی چون آشنایی و جذابیت مصدومین، احساس نیاز به تأیید از ناظرین وضعیت، برجستگی و وضوح هنجار مسئولیت‌پذیری در اوضاع مبهم و غیرمترقبه، اطلاع به موقع از نیاز دیگران و احساس توان یاریگری به آنان است که می‌تواند به افزایش انگیزش امدادسانی و ایثارگری بینجامد (برکوویتز، ۱۳۸۸: ۱۴۸). زمانی که هنجارهای اجتماعی ماهیت اخلاقی پیدا می‌کنند دو بُعد را به صورت ممزوج یکدیگر باید لحاظ کرد. دینداری عرصه‌ای است که این امتزاج در آن رخ می‌دهد. به‌زعم ویلسون افراد دیندار بیش از غیردیندارها کارهای خیر انجام می‌دهند (Wilson & Janowski, 1995). با عنایت به سفارش‌های دینی مبنی بر کمک به نیازمندان، میزان مذهبی بودن افراد نیز قابل تأمل است.

هرچند دستورات اخلاقی دین و باورهای مذهبی افراد نقش بسزایی در کنش‌های کمک‌رسان دارند؛ اما نقش شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی که پیرامون کنش‌های مذهبی شکل می‌گیرد را نباید از نظر دور داشت. نتایج برخی پژوهش‌ها نیز مؤید این مطلب است؛ (Park & Smith, 2000; Becker & Dhingra 2001) امینی، ۱۳۹۵). در پیوند بین سرمایه اقتصادی و رفتارهای کمک‌رسان این ضرب‌المثل به ذهن متبادر می‌شود: «چراغی که به منزل رواست به مسجد حرام است»؛ هرچند مصرحات این عبارت سویه خودخواهانه دارد اما دلالت ضمنی آن مبین وضعیت نامطلوب اقتصادی است. از فردی با سطح بالاتری از سرمایه اقتصادی و وضعیت درآمدی بالا انتظار بیشتری برای رفتارهای کمک‌رسان وجود دارد و به لحاظ هنجاری نیز نظام انتظارات

جامعه چنین امری را طلب می‌کند. در این میان نیز به لحاظ طبقه اجتماعی می‌توان بدین امر اشاره کرد که میزان و نوع کمک برخی از افراد می‌تواند تحت تأثیر وضعیت اقتصادی آن‌ها باشد. از این بحث استنباط می‌شود کسانی که از وضعیت درآمدی بالایی برخوردارند باید بیشتر کمک کنند.

در واقع در خصوص عوامل مؤثر بر کمک‌رسانی مردم شهر تهران به زلزله‌زدگان کرمانشاه، چنانچه مردم نسبت به عملکرد سازمان هلال‌احمر، کمیته امداد و نیروهای نظامی صداقت بیشتری ببینند؛ بیشتر در کمک‌رسانی مشارکت خواهند داشت؛ چرا که کمک به زلزله‌زدگان در نهایت به واسطه این نهادها صورت می‌گیرد. در کنار عوامل یادشده، متغیر مهم اعتماد را نباید از نظر دور داشت. اعتماد به نظام‌های انتزاعی نظیر دولت و نهادهای وابسته عاملی است که بر نوع و نحوه کمک‌رسانی تأثیر بسزایی دارد. بر این اساس هرچه میزان اعتماد افراد جامعه به این نهادها و ارگان‌ها از نظر اطمینان مالی و توانمندی مدیریتی بیشتر باشد احتمال رفتار کمک‌رسانی بیشتر خواهد بود. پس به لحاظ جامعه‌شناختی و در سطح کلان، اعتماد به نهادهای امدادی و کمک‌رسانی از اهمیت بسیاری برخوردار است. همچنین هنجار اجتماعی کمک‌رسانی در بحث کمک‌رسانی و تشویق افراد می‌تواند مهم و مؤثر باشد. ما طبق هنجارهای اجتماعی می‌کوشیم پذیرش اجتماعی بیشتری به دست آوریم و درعین حال که ممکن است اعتقادی به مطلوبیت وابستگی دیگران به خودمان نداشته باشیم اما برحسب اینکه دیگران ما را برای انجام اموری نظیر یاری نیازمندان تأیید می‌کنند و نیز انتظار کمک دارند به امداد رسانی و ایثارگری در قبال دیگران تمایل می‌یابیم.

شکل ۱- مدل نظری عوامل مؤثر بر رفتار کمک‌رسانی مردم در شرایط زلزله



فرضیات پژوهش

- به نظر می‌رسد، بین ویژگی‌های فردی مردم شهر تهران (سن و جنس) با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان مصرف رسانه‌ای (داخلی و خارجی) مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان تجربه مردم شهر تهران از موقعیت زلزله با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین اعتماد سازمانی مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین اطمینان مالی به سازمان‌ها، مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین نگرش به توانمندی مدیریتی سازمان‌ها توسط مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد، بین هنجار اجتماعی مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان پاداش معنوی با وضعیت کمک‌رسانی مردم در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان احساس همدلی مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی مردم شهر تهران با کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین وضعیت مالی مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین میزان تقید مذهبی مردم شهر تهران با وضعیت کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله کرمانشاه رابطه معنادار آماری وجود دارد.

روش پژوهش

این مقاله با روش پیمایش انجام شده است. جمعیت آماری پژوهش، افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بوده‌اند. حجم نمونه^۱ ۲۲۰ نفر برآورد شده و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته کمک گرفته شده است. همچنین برای تعیین واحدهای نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و برای سنجش اعتبار مفاهیم و متغیرها از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. جهت کشف و فهم عوامل زیربنایی‌تر و هم‌بسته‌تر از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است تا معرف‌های هر یک از متغیرها در ابعاد مختلف از اعتبار همگرا و ناهمگرا برخوردار شوند (غیاثوند، ۱۳۹۷). برای سنجش برخی از مفاهیم، معرف‌های زیر در نظر گرفته

۱- شایان‌ذکر است با توجه به در نظر گرفتن امکان‌پذیری مطالعه، ممکن است حجم نمونه پژوهش (۲۲۰ نفر) به‌گونه‌ای باشد که برای شهر تهران قابلیت تعمیم نداشته باشد؛ اما امکان انجام استنباط آماری برای نمونه مورد نظر فراهم است (دواس، ۱۳۹۶).

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۴۱

شده و مفاهیمی که انتزاعی تر بودند با حداقل دو معرف مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در نهایت نتایج پایایی هنجارهای اجتماعی برابر با ۰/۸۳، اعتماد انتزاعی برابر با ۰/۸۹، توان مدیریتی سازمان‌ها برابر با ۰/۷۹ و اطمینان مالی برابر با ۰/۸۸ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

طبق نتایج حاصل از انجام این پژوهش ۴۶ درصد نمونه تحقیق را مردان و ۵۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین ۵۰ درصد افراد نمونه متأهل و ۴۶ درصد مجرد بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان ۳۶ سال و از نظر تحصیلات اکثر افراد دارای تحصیلات دانشگاهی (۷۲ درصد)، ۱۶ درصد دیپلم، ۲۴ درصد زیر دیپلم و ۲ درصد هم بی‌سواد بوده‌اند. همچنین افراد شاغل با ۴۵ درصد و زنان خانه‌دار با ۱۸ درصد بیشترین نسبت نمونه را برحسب وضع اشتغال به خود اختصاص داده‌اند.

در راستای پاسخ به سؤال اساسی پژوهش مبنی بر واکنش مردم شهر تهران درباره وقوع زلزله و میزان آمادگی آن‌ها برای کمک‌رسانی، یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که ۷۵ درصد مردم شهر تهران در سطح زیاد و خیلی زیاد برای کمک به یکدیگر در شرایط وقوع زلزله اعلام آمادگی کرده‌اند؛ ۲۱ درصد تا حدودی و کمتر از ۵ درصد چندان علاقه‌ای برای کمک به دیگران ابراز ننموده‌اند.

جدول ۱- توزیع پاسخگویان برحسب تمایل به کمک‌رسانی در شرایط زلزله

جمع	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلاً	تمایل به کمک‌رسانی
۱۰۰	۲۸	۴۷	۲۱	۳	۰/۹	چنانچه در تهران زلزله‌ای اتفاق بیفتد، چقدر حاضرید به مردم کمک کنید؟

یافته بعدی درباره این پرسش که «در صورت رخداد زلزله در تهران فکر می‌کنید بیشتر به چه کسانی کمک می‌کنید؟» بیانگر آن است که در یک واکنش قطبی، نیمی در

مرحله اول به کمک خانواده می‌شتابند؛ نیم دیگر به افراد نزدیک حادثه و هر فردی که به کمک نیاز داشته باشد، کمک می‌کنند. در اولویت‌های بعدی اقوام و آشنایان قرار می‌گیرند.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر اولویت کمک‌رسانی پس از وقوع زلزله

اولویت	اول	دوم	سوم
خانواده	۴۹	۵۰	۱
اقوام و آشنایان	۱	۳۴	۶۵
اطرافیان	۵۰	۱۴	۳۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

دیگر یافته‌های پیرامون این سؤال که «با توجه به بحث زلزله در تهران، اولین جایی که برای اسکان موقت خواهید رفت، کجا خواهد بود؟» نشان می‌دهد، که ۳۲ درصد پارک‌ها و فضاهای باز، ۲۶ درصد خارج از شهر تهران را برای اسکان در نظر داشتند، ۱۰ درصد محل‌هایی که نهادهای دولتی و هلال‌احمر تدارک دیده‌اند، ۸ درصد به اماکن مذهبی، مدارس، ورزشگاه‌ها، و در نهایت ۲۴ درصد پاسخگویان جایی را برای اسکان در نظر نداشته‌اند. نکته قابل تأمل اینکه که حدود یک‌چهارم جمعیت در شرایط بحران زلزله تمایل به ترک شهر را دارند. چنانچه واکنش مردم در زلزله اخیر تهران موجب ترافیک سنگین در خروجی‌های شهر گردید. طبق یافته‌های بدست آمده از نظر ۴۳/۲ درصد پاسخگویان، عمده‌ترین مشکل شهر تهران بعد از وقوع زلزله مسدود شدن معابر و راه‌هاست. کمبود نیروهای امدادی (۳۱/۸ درصد)، آتش‌سوزی (۲۶/۵ درصد)، ناامنی (۲۲ درصد) و خرابی و آوار و ... (۱۱/۳ درصد) نیز در مراتب بعدی مطرح شده‌اند.

ارقام مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که ۶۹ درصد مردم شهر تهران در زلزله کرمانشاه کمک داشته‌اند، این کمک‌ها اعم از نقدی، غیرنقدی و یا خدماتی است؛ در

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۴۳

مقابل حدود ۳۱ درصد پاسخگویان نیز هیچ کمکی به زلزله‌زدگان نداشته‌اند. بنابراین دوسوم مردم در این حادثه کمک‌رسان بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت کمک‌رسانی

وضعیت	تعداد	درصد
بلی	۱۵۱	۶۹
خیر	۶۹	۳۱
جمع	۲۲۰	۱۰۰

از مجموع افرادی که در کمک به زلزله‌زدگان مشارکت داشته‌اند حدود ۴۸ درصد کمک نقدی و ۴۹ درصد به زلزله‌زدگان کرمانشاه کمک غیرنقدی داشتند. به ترتیب هلال‌احمر و نهادهای دولتی با ۲۹ درصد، مراکز خیریه مردمی با ۲۲ درصد و افراد خیر (پوشش‌های مردمی) نیز با ۲۲ درصد بیشترین دریافت کمک‌های نقدی را به خود اختصاص داده‌اند. سایر موارد شامل ۱۰ درصد ورزشکاران، ۶ درصد معتمدان محلی، ۴ درصد اساتید و دانشجویان، ۳ درصد بسیج مساجد و اماکن مذهبی و نیز ۴ درصد هنرمندان بوده‌اند. بیشترین کمک‌های غیرنقدی از طریق مراکز خیریه مردمی با ۳۰ درصد، هلال‌احمر و سایر نهادهای دولتی با ۲۲ درصد صورت گرفته است. همچنین ۵۲ درصد کمک‌های غیرنقدی (کالایی) در غالب البسه، پتو و وسایل گرمایشی بوده است، ۲۳ درصد مواد غذایی، ۱۴ درصد لوازم بهداشتی و ۱۱ درصد هم سایر موارد (کالاهایی از قبیل: کتب درسی، اسباب‌بازی، ظروف و سایر لوازم موردنیاز زلزله‌زدگان) بوده است. برحسب نوع کمک‌های خدماتی ۲۴ درصد افراد نمونه در جمع‌آوری مایحتاج برای زلزله‌زدگان مشارکت داشته‌اند ۵۰ درصد در تشویق دیگران به کمک‌رسانی و فراهم کردن موقعیت مشارکت داشتند، حدود ۱۶ درصد اهدای خون و ۱۰ درصد نیز سایر کمک‌های خدماتی از قبیل: برگزاری کلاس کنکور برای دانش‌آموزان زلزله‌زده کرمانشاه، مشاوره و خدمات فنی به زلزله‌زدگان ارائه داده‌اند.

مدل تجربی کمک‌رسانی در شرایط زلزله

طبق مدل نظری پژوهش، برای بررسی عوامل مؤثر بر میزان کمک‌رسانی مردم شهر تهران به زلزله‌زدگان کرمانشاه برحسب «وضعیت کمک‌رسانی» (کمک کردن یا نکردن در موقع زلزله)، «وضعیت کمک نقدی» (کمک نقدی داشتن یا نداشتن) و «وضعیت کمک غیرنقدی» (کمک غیرنقدی داشتن یا نداشتن) با کمک گرفتن از نرم‌افزار PLS از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است.

در بحث از آزمون آماری رابطه جنس با وضعیت کمک‌رسانی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۱ و مقدر t برابر با ۰/۲۹) و نیز وضعیت کمک نقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۴ و مقدر t برابر با ۰/۶۷) و غیرنقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۵ و مقدر t برابر با ۰/۷۲)، طبق نتایج بدست آمده، معنادار نیست. بنابراین زنان و مردان تهرانی به یک اندازه در کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه مشارکت داشته‌اند. در بحث از رابطه آماری بین سن با وضعیت کمک‌رسانی رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۳ و مقدر t برابر با ۰/۵۷). همچنین رابطه سن با وضعیت کمک نقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۱ و مقدر t برابر با ۰/۰۹) و نیز کمک غیرنقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۱۹ و مقدر t برابر با ۰/۲۶)، طبق ضرایب به‌دست‌آمده، معنادار نیست؛ پس می‌توان قضاوت نمود همه گروه‌های سنی در کمک به زلزله‌زدگان مشارکت داشتند.

در بحث از رابطه آماری میزان تحصیلات با وضعیت کمک‌رسانی، رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۴ و مقدر t برابر با ۰/۶۴)؛ همچنین رابطه تحصیلات با وضعیت کمک نقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۶ و مقدر t برابر با ۰/۸۶) و نیز کمک غیرنقدی (ضریب مسیر برابر با ۰/۰۴ و مقدر t برابر با ۰/۵۷)، طبق ضرایب به‌دست‌آمده، معنادار نیست. در واقع مشاهده می‌گردد شهروندان تهرانی با تحصیلات مختلف مشارکت برابری داشته‌اند. طبق ضرایب آماری به‌دست‌آمده رابطه بهره‌مندی از رسانه‌های خارجی با وضعیت کمک‌رسانی، کمک نقدی و نیز غیرنقدی، معنادار نیست. البته طبق ضرایب به‌دست‌آمده متغیر مصرف رسانه‌های خارجی بر اعتماد انتزاعی

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۴۵

سازمان‌ها، اطمینان مالی و توان مدیریتی تأثیرگذار می‌باشد. همچنین در این راستا، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی در وضعیت کمک نقدی و نیز کمک غیرنقدی، تأثیر چندانی ندارد.

دیگر نتایج بدست آمده نشان می‌دهد افرادی که تجربه موقعیت زلزله را داشتند، در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان مشارکت بیشتری نموده‌اند (ضریب مسیر برابر با ۰/۱۹ و مقدر t برابر با ۲/۷۴). البته رابطه تجربه از موقعیت زلزله با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک غیرنقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده معنادار نیست. در بحث از رابطه اعتماد انتزاعی سازمان‌ها با وضعیت کمک‌رسانی، رابطه معناداری وجود ندارد. در بحث از رابطه اعتماد انتزاعی سازمان‌ها با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک غیرنقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده رابطه معنادار نیست.

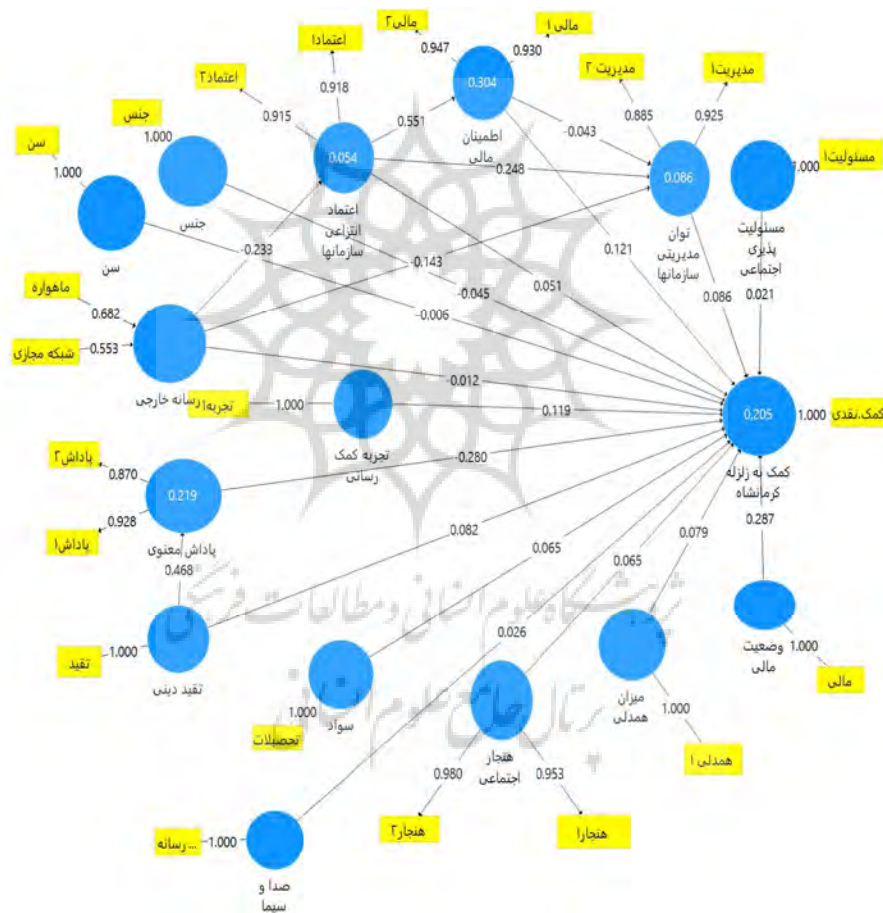
جالب اینکه افرادی که اطمینان مالی بیشتری نسبت سازمان‌های دولتی و هلال‌احمر داشتند، بیشتر در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان مشارکت نموده‌اند (ضریب مسیر برابر با ۰/۱۹ و مقدر t برابر با ۲/۵۱). البته در بحث از رابطه اطمینان مالی به سازمان‌ها با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک غیرنقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده رابطه آماری معنادار نیست. در بحث از رابطه توانمندی مدیریتی سازمان‌ها با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک غیرنقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده معنادار نیست.

دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد افرادی که تحت تأثیر هنجار اجتماعی کمک‌رسانی بوده‌اند و از سوی خانواده و دوستان تشویق می‌شدند، در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان مشارکت بیشتری داشتند (ضریب مسیر برابر با ۰/۲۶ و مقدر t برابر با ۴/۵۴). گرچه در بحث از هنجار کمک‌رسانی با وضعیت کمک نقدی طبق ضرایب به‌دست‌آمده رابطه آماری معنادار نیست، ولی رابطه هنجار کمک‌رسانی با کمک‌رسانی غیرنقدی با ضریب تأثیرگذاری ۰/۳۳ معنادار شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هنجار کمک‌رسانی بر میزان کمک‌رسانی برحسب غیرنقدی کمک داشتن یا نداشتن بیشترین تأثیر را دارد.

رابطه آماری بین پاداش معنوی با وضعیت کمک‌رسانی معناداری مشاهده می‌گردد (ضریب مسیر برابر با ۰/۱۵ و مقدر t برابر با ۲/۰۴)؛ همچنین در بحث از رابطه داشتن تجربه زلزله با وضعیت کمک نقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده رابطه معنادار است؛ به این معنا که افرادی که در گذشته به‌نوعی زلزله را تجربه کرده‌اند، بیشتر به زلزله‌زدگان استان کرمانشاه کمک کرده‌اند؛ البته رابطه این متغیر با میزان کمک‌غیرنقدی معنادار نیست. از سویی پاداش معنوی از متغیر تقید دینی تأثیر پذیرفته است؛ به عبارتی توجه به پاداش معنوی در افرادی منجر به مشارکت بیشتر در کمک‌رسانی شده است که تا حدی از تقید مذهبی برخوردار بوده‌اند. ولی پاداش معنوی در میزان کمک‌رسانی افراد با تقید پایین تأثیر معناداری نداشته است. در واقع طبق ضرایب به‌دست‌آمده می‌توان بیان نمود که میزان تقید مذهبی افراد با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک‌غیرنقدی، رابطه مستقیمی ندارد؛ اما میزان تقید افراد با تأثیر بر میزان اهمیت پاداش معنوی برای افراد بر وضعیت کمک و کمک نقدی و غیرنقدی تأثیر و رابطه غیرمستقیم دارد.

چنانچه مدل مسیر نشان می‌دهد بین رابطه میزان احساس همدلی افراد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با وضعیت کمک‌رسانی رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد؛ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد افرادی که در زمان زلزله کرمانشاه از وضعیت مالی بهتری برخوردار بوده‌اند، در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان مشارکت بیشتری کرده‌اند. همچنین در بحث از رابطه وضعیت مالی مناسب پاسخگویان در زمان زلزله با وضعیت کمک نقدی و نیز کمک‌غیرنقدی، طبق ضرایب به‌دست‌آمده رابطه معنادار است.

تأثیرگذاری در نوع کمک‌رسانی مردم به زلزله‌زدگان کرمانشاه (کمک نقدی و غیرنقدی) شده است، به ترتیب وضعیت مالی با ضریب ۲۸ درصد و پاداش معنوی با ضریب ۲۸ درصد در میزان کمک نقدی بیشترین تأثیر را داشته‌اند. همچنین در نوع کمک‌رسانی غیرنقدی نیز هنجار اجتماعی کمک‌رسانی با ضریب ۳۳ درصد و وضعیت مالی با ضریب ۱۹ درصد بیشترین تأثیر را نوع کمک‌رسانی غیرنقدی داشته‌اند.



شکل ۳- مدل مسیر عوامل مؤثر بر کمک نقدی مردم تهران در شرایط زلزله

داده‌ها نشان داد که وضعیت جنس (زن یا مرد بودن)، گروه سنی مختلف (نوجوان، جوان، بزرگسال و مسن‌تر)، بهره‌مندی از رسانه‌ها (خارجی و داخلی)، اعتماد انتزاعی به سازمان‌های امدادی (کم یا زیاد)، نگرش به توانمندی مدیریتی سازمان‌های امدادی (قوی یا ضعیف بودن)، میزان احساس همدلی (کم یا زیاد)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (کم‌وزیاد) و میزان تقید مذهبی (مذهبی بودن یا نبودن) (همسویی این نتایج به پژوهش امینی در دو مقطع ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴) مردم شهر تهران تأثیری در کمک نقدی و غیرنقدی آنها نداشته است؛ به عبارتی افراد با ویژگی‌های یادشده به‌طور نسبتاً برابری به زلزله‌زدگان کمک داشته‌اند؛ در مقابل کسانی که تجربه موقعیت زلزله را داشتند، تحت تأثیر تشویق و هنجار اجتماعی دیگران بوده‌اند (همسویی این نتایج به مطالعه یگانه، ۱۳۹۶)؛ متأثر از احساس خشنودی و به دنبال پاداش معنوی و اخروی بودند؛ اطمینان مالی بیشتری به سازمان‌های امدادی داشتند؛ بیشتر در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان کرمانشاه مشارکت نموده‌اند. همچنین کمک‌کنندگان به زلزله کرمانشاه از وضعیت مالی بهتری برخوردار بوده‌اند.

نتایج بدست آمده از این پژوهش در تأیید این فرضیه که تجربه افراد از موقعیت زلزله بر میزان کمک‌رسانی آن‌ها در زلزله تأثیر بسیاری دارد با پژوهشی که نائومی اوکی (۲۰۱۷)، با عنوان «بررسی تجربی نگرش‌های عمومی در ژاپن بعد از زلزله و سونامی ۲۰۱۱» پیرامون این سؤال اساسی: «چه کسی حاضر است فعالان خدمات عمومی منطقه خود را در اختیار شهرداری‌های مناطق فاجعه دیده قرار دهد؟» و مشخص شد که اینکه فرد خود دریافت‌کننده کمک یا قربانی فجایع طبیعی بوده باشد یا خیر، در تمایل به کمک تفاوت ایجاد می‌کند؛ همسویی دارد. بیش از نیمی از شهروندان تهرانی (۶۲ درصد) برای محافظت از خود و خانواده در برابر زلزله نیاز به آموزش دارند. برحسب ویژگی‌های فردی همه افراد نیازمند چنین آموزش‌هایی‌اند. «فقط ۵/۵ درصد شهروندان تهرانی به لحاظ عملی آمادگی زیادی برای مقابله با این پدیده را دارند، ۲۳/۱ درصد تا حدی آماده‌اند و میزان آمادگی ۷۱/۴ درصد نیز کم یا هیچ است. کمتر از یک‌سوم (۳۱/۷)

واکنش مردم شهر تهران به وقوع زلزله و تجربیات ... ۱۵۱

درصد) شهروندان در کلاس‌های آموزشی مقابله با زلزله شرکت کرده‌اند (مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی، ۱۳۹۰). یافته‌ها نشان می‌دهد که نیازهای آموزشی موردنیاز شهروندان تهرانی در زمینه دفاع غیرنظامی جهت آمادگی در برابر زلزله، تحت تأثیر گروه (شهروند، متخصص و مسئول)، میزان تحصیلات، جنس و منطقه محل سکونت افراد نمونه نمی‌باشد. از نظر آن‌ها بهترین شیوه آموزش و کسب اطلاعات، برنامه‌های تلویزیونی (۳۰/۱ درصد) و آموزش‌های عملی (۲۱/۹ درصد) می‌باشد (زندگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰).

قدیری و نسبی در بررسی‌شان پیرامون میزان آمادگی اجتماعات محله‌ای شهر شیراز بیان داشتند که به‌طور کلی میانگین میزان آمادگی خانوارهای نمونه برابر با ۳۹ در مقیاس ۱ تا ۱۰۰ است. این میزان برای خانوارهای محلات بالا و پایین به ترتیب برابر با ۴۶/۸۹ و ۳۲/۷۲ است. این تفاوت بر اساس نقش شرایط و وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانوارها تأکید دارد (قدیری و نسبی، ۱۳۹۲). نتایج تحقیق با این درس کلیدی از علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی نیز همسوست که «آسیب‌پذیری از نظر اجتماعی افتراق یافته است» (Wisner, 1998; Wisner al et., 2004) و اینکه امروزه «زندگی فقرا در نواحی مخاطره‌آمیز به یک قاعده تبدیل شده است (قدیری و همکاران، ۱۳۹۰).

با عنایت به یافته‌های بدست آمده از این مطالعه با رویکرد تحلیل لایه به لایه چه نتیجه‌ای را می‌توان استنباط نمود؛ «چو و همکارانش در سال ۲۰۱۰ عنوان کردند که اسلوویک در سال ۱۹۸۷ برای اولین بار پیشنهاد کرد که هنگام به‌کارگیری سنجش ریسک در ارزیابی مخاطرات، اکثریت شهروندان بر قضاوت‌های حسی خطر که به‌طور معمول «ادراک ریسک» نامیده می‌شود، تکیه می‌کنند. همچنین از این مطالعه سه عامل ارزیابی ریسک شامل: عامل ترس از خطر، عامل خطرهای ناشناخته و عامل تعداد مردمی که در معرض خطر قرار دارند و تحت تأثیر خطر می‌باشند، استخراج شد (Zhu al et., 2011: 129) به نقل از عسگری زاده و دیگران، ۱۳۹۴). در واقع ادراک ریسک نوعی قضاوت و احساس نسبت به مخاطرات در زندگی روزمره تلقی می‌گردد.

همچنین در این باره جان دارلی و لاتانه^۱ در قالب تئوری تصمیم‌گیری پنج مرحله‌ای، درک شرایط و انجام رفتار در شرایط اضطراری را توضیح می‌دهند (Darley & Latane, 1968: 377-383).

با عنایت به لنز نظری ادراک ریسک و فرایند تصمیم‌گیری می‌توان اذعان داشت که مردم شهر تهران به لحاظ نگرشی و واکنش مطلوب به موقعیت زلزله در قالب کمک‌های نقدی، غیرنقدی و خدماتی از آمادگی لازم برخوردارند و اکثر مردم با ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی مختلف بدان واکنش مثبت نشان می‌دهند؛ سویه مهم نتایج، بعد از توصیف و تبیین وضعیت کمک‌رسانی، تغییر در رفتار کمک‌رسانی آن‌ها می‌باشد. اینکه رفتارهای کمک‌رسانی افراد به چه شکل، چگونه و در چه زمانی باشد نیاز به برنامه‌ریزی دارد تا ضریب آسیب‌های اجتماعی چنین حوادثی کاهش یابد. «امروزه، تحلیل و کاهش آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات طبیعی به حوزه مهم و گسترده‌ای در سپهر برنامه‌ریزی و مدیریت مخاطرات تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که از حرکت هم‌زمان و متقابل توسعه پایدار و مدیریت بحران به سمت کاهش آسیب‌پذیری صحبت می‌شود (قدیری، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷).

چنانچه بیان شد به ترتیب هلال‌احمر و نهادهای دولتی با ۲۹ درصد، مراکز خیریه مردمی با ۲۲ درصد و افراد خیر (پویش‌های مردمی) نیز با ۲۲ درصد و ... بیشترین دریافت کمک‌های نقدی را به خود اختصاص داده‌اند. کسانی که اطمینان مالی بیشتری به سازمان‌های امدادی داشتند، کمک‌های نقدی‌شان را از این مسیر واریز نمودند؛ گر چه همه افراد به توانمندی سازمان‌های امدادی کشور اعتماد داشتند. حتی مردم شهر تهران در پاسخ به سؤال چقدر تمایل دارید در وضعیت کنونی (بعد از چند ماه) به زلزله‌زدگان کرمانشاه کمک کنید؛ ۳ و ۱۲ درصد در سطح اصلاً و کم و در مقابل ۲۵ و ۱۸ درصد به ترتیب در سطح زیاد و خیلی زیاد اعلام آمادگی کرده‌اند (۴۳ درصد تا حدودی).

به نظر وین سر، دو خصیصه مسئول افزایش قرارگیری در معرض مخاطرات و نیز کاهش رسیدگی و بهبود است: ۱- کمبود دسترسی به تنوعی از خدمات و اطلاعات (مراقبت‌های سلامتی، اعتبار، مساعدت تکنیکی، آموزش و...) ۲- کمبود منابع در اشکال درآمد، دارایی، محافظت اجتماعی و... بر این اساس، «آسیب‌پذیری و ظرفیت دو روی یک فرایند هستند (Wisner et al, 2004). سرانجام در سطح انتزاعی‌تر و نیز جامعه‌شناختی می‌توان از این یافته پرده برداشت که در جامعه ایران میزان درک مردم از ریسک چنین رویدادهای طبیعی بالاست و در سطح کنشگر تمایل بالایی برای کمک‌رسانی دارند؛ چنانچه به نتایج رابطه ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد با کمک‌رسانی برگردیم، مشاهده می‌گردد که ضریب حاصل معنادار نیست؛ پیام چنین ضرابی بیانگر آن است که افراد جامعه برحسب جنس، سن، سواد... به‌طور نسبتاً برابری در کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه مشارکت داشته‌اند؛ در مقابل آنچه موجب واریانس مشترک کمک‌رسانی با سایر متغیرها گردیده؛ سطح ساختاری و یا به‌طور دقیق‌تر سازمان‌ها و نیروهای کمک‌رسان می‌باشد، که موجب رغبت یا بی‌میلی افراد گردیده است.

چنین وضعیتی در عین اینکه تیپولوژی کمک‌رسانی مردم جامعه را نشان می‌دهد که طیفی از مشارکت به‌صورت خرد و محلی، مستقیم و حضوری تا جمعی در قالب سمن‌ها و نیز تا یاری از طریق نهادهای امدادی را شامل می‌گردد؛ می‌تواند بیانگر سطحی از اعتماد انتزاعی به نهادهای امدادی باشد که می‌توان شاهد فرسایش آن بود؛ قلمدوش کردن مشارکت‌جویی نهادهای امدادی بر امور سیاسی جامعه، تخریب اعتماد نهادی مردم در شبکه‌های رسمی و غیررسمی می‌تواند بیانگر این امر باشد که جامعه مدرن ایران، بایستی به‌گونه‌ای برنامه عمل و واکنش سریع نسبت به بلایای طبیعی داشته باشد و مسیرهایی کمک‌رسانی را به گونه تسهیل و تصریح نمایند تا مشارکت اجتماعی مردم نهادمند در اختیار مصدومان و آسیب دیدگان قرار گیرد.

از این رو، می‌توان به تدوین الگویی برای بهبود شرایط و زمینه‌های کمک‌رسانی و آموزش‌های مختلف در خصوص زلزله پرداخت که عبارت از: (۱) به‌روشنی و صادقانه سازمان‌های امدادی به‌ویژه هلال‌احمر از عملکرد خود و نقاط قوت و ضعف کمک‌رسانی‌ها گزارشی مداوم ارائه دهند و مردم را در جریان روند کمک‌رسانی قرار دهند تا مردم علاوه بر آگاهی از میزان تلاش و انجام فعالیت‌های امدادی، از مشکلات موجود در ارائه خدمات به زلزله‌زدگان، نیز آگاهی یابند؛ چرا که این عمل می‌تواند در افزایش مشارکت مردمی در کمک‌رسانی مؤثر باشد و منجر به هدفمندتر شدن نوع کمک‌رسانی‌های مردمی و در نتیجه جلوگیری از اتلاف منابع اهدایی شود. (۲) در بازه‌های زمانی شش‌ماهه تا یک‌ساله روند بازسازی مناطق زلزله‌زده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به تصویر کشیده شود. تصاویر مناطق تخریب شده در یک سمت و همان مناطق به‌صورت ساخته شده در طرف دیگر قرار گیرد حتی اگر فرایند بازسازی تکمیل شده باشد. (۳) فرهنگ کمک‌رسانی از طریق به تصویر کشیدن فعالیت‌های کمک‌رسانی در ایران و سایر کشورها در رسانه‌ها و فضای مجازی ترویج شود. (۴) آموزش کمک‌های اولیه به‌عنوان یک برنامه آموزشی فوق‌برنامه در مدارس دوران متوسطه و دانشگاه‌ها و نیز در هر خانواده، افرادی در زمینه‌های مختلف مواجهه با بالای طبیعی آموزش ببیند. (۵) بهتر است آموزش‌های لازم در این زمینه در مناطق سیل‌خیز با مناطق زلزله‌خیز متفاوت باشد تا هم هزینه کمتری را شامل شود و هم مدت‌زمان محدودتری به آموزش تعلق گیرد. (۶) تأکید بر تخصص در جریان کمک‌رسانی همچنان مسئله مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد، گاه حضور نیروهای مردمی غیرمتخصص در مناطق زلزله‌زده نه تنها کمک‌رسان نیست بلکه به دلیل فقدان تخصص این گروه، در اقدامات نیروهای متخصص نیز اختلال ایجاد می‌شود. (۷) مناطق زلزله‌زده آزمایشگاه علمی مناسبی برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و مددکاری هستند که پروژه‌های علمی خود را در این مناطق تعریف کنند و با حضور در این مناطق ضمن انجام پروژه‌های خود، کمک‌رسان خانواده‌های زلزله‌زده باشند.

منابع

- اسمیت، الویت آر و مکی، دیان ام. (۱۳۹۲)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: مژگان سپاه منصور و همکاران، تهران: نشر وانیان.
- امینی، سعیده. (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی کنش دگر دوستانه شهروندان تهرانی (دو مقطع ۱۳۸۴-۱۳۹۴)، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۵، شماره ۳: ۳۸۷-۴۱۳.
- آرونسون، الیوت؛ ویلسون، تیموتی دی و آکرت، روبین ام. (۱۳۸۴)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: افسانه شیخ‌الاسلام، تهران: انتشارات ما و شما. چاپ اول.
- بارون، رابرت. ا؛ برن، دونا و جانسون، بلرتی. (۱۳۹۴)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: علی تحصیلی، تهران: نشر کتاب آمه.
- بدار، لوک، دزیل، زوزه، دزیل و لامارش، لوک. (۱۳۸۹)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- برکوویتز، لئوناردو. (۱۳۸۸)، *زمینه روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: نشر علم.
- بیرهوف، هانس ورنر. (۱۳۸۴)، *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: رضوان صدقی نژاد، تهران: نشر گل آذین.
- حسینی، حبیب؛ طالب پور، اکبر و امامعلی زاده، حسین. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع‌دوستانه در بین شهروندان همدانی، *فصلنامه توسعه اقتصادی*، سال نهم، شماره ۱: ۱۳۶-۱۶۰.
- دواس، دی. ای. (۱۳۹۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- رفیعی طاری، ربابه. (۱۳۸۳)، تشخیص عوامل بازدارنده مشارکت زنان در ارائه خدمات بشردوستانه و امور امدادی در جمعیت هلال‌احمر شهر تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی*.
موسسه آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.
- زندی، بهمن؛ سرمدی، محمدرضا و کریمی، ناهید. (۱۳۹۵)، بررسی نیازهای آموزشی شهروندان در برابر زلزله، *فصلنامه محیط‌زیست و توسعه پایداری*، سال پنجم، شماره اول: ۴۱-۵۲.
- عنبری، موسی. (۱۳۸۲)، *طرح پژوهشی: بررسی زمینه‌ها و راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امداد حوادث غیرمترقبه*، موسسه آموزش عالی علمی و کاربردی هلال ایران.

- عنبری، موسی. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی فاجعه: کندوکاوی پیرامون حوادث و سوانح در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۷)، *تحلیل پیشرفته مدل‌های معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار PLS*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- عسگری زاده، زهرا؛ رفیعیان، مجتبی و داداش پور، هاشم. (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل مدل تجربی رفتارهای کاهش خطر زلزله خانوارهای شهر تهران، *مجله جغرافیا و مخاطرات طبیعی*، شماره پانزدهم: ۳۹-۶۰.
- قدیری، محمود؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ شایان، سیاوش و پرهیزگار، اکبر. (۱۳۹۰). تبیین تمرکز اجتماعی - فضایی آسیب‌پذیری شهر تهران در برابر زلزله، *مجله مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره شانزدهم، شماره ۳: ۳۱-۵۴.
- قدیری، محمود و نسبی، نسترن. (۱۳۹۲)، تحلیل تفاوت میزان آمادگی اجتماعات محله‌ای شهر تهران در برابر زلزله، *مجله مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره شانزدهم، شماره ۳، ۷۱-۹۲.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، تهران: انتشارات ارسباران.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۹۵)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی (۱۳۹۰)، *طرح پژوهشی: نظرسنجی از شهروندان تهرانی درباره مدیریت بحران در شهر تهران با تأکید بر زلزله*، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- مقدس جعفری، محمدحسن و کریمی، رضا. (۱۳۹۲). بررسی مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم بعد از زلزله و عوامل مؤثر بر آن، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، شماره یازدهم: ۱۱۱-۱۳۲.
- یگانه، مهدی. (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به کمک‌رسانی در شرایط اضطراری در بین مردم شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Aoki, N. (2017). Who would be willing to lend their public servants to disaster-impacted local governments? An empirical investigation into public attitudes in post-3.11 Japan. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 24, 499-506.

- Batson, D. C., O' Quinn Fultz, J., Vanderplas, M. & Isen, A. M. (1983), "Influence of self-reported distress and empathy on egoistic versus altruistic motivation to help", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 45, No 3: 706- 718.
- Becker, P. E. and Dhingra, P. H. (2001). "Religious Involvement And Volunteering: Implications for Civil Society", *Sociology of Religion*, Vol 62, No 3: 315- 335.
- Darley, J. M & Latane, B. (1968). Bystander intervention in emergency: Diffusion of responsibility. *Journal of personality and social psychology*, 8, 377-383.
- Huneycut, A. (2013). *Altruistic action and relationship satisfaction: Exploring possible benefits of volunteering and Altruism on couple relationships*, Dissertation
- Doctorate of Psychology California School of Professional Psychology Alliant International University.
- Moreno, Jenny. (2018). The role of communities in coping with natural disasters: Lessons from the 2010 Chile Earthquake and Tsunami. *Published by Elsevier Ltd*. Volume 212, p 1040-1045.
- Nowak, M. and Highfield, R. (2011). *Super cooperators: Altruism evolution and why we need each other to succeed*, New York NY: Free Press.
- Park, J. Z. and Smith, C. (2000). "To whom much has been given...": Religious capital and community voluntarism among churchgoing protestants", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol 39, No 3: 228- 272.
- Tyink, S. D. (2006). *Driven altruism: A grounded theory study*, PhD dissertation of education fielding, Graduate University.
- Wilson, J. and Janowski, T. (1995). The Contribution of Religion to Volunteer Work, *Sociology of Religion*, Vol. 56, No. 2, pp. 137-152.
- Wisner, B. (1998). Marginality and vulnerability: why the homeless of Tokyo don't 'count' in disaster preparations. *Applied Geography*, 18, 25-33.
- Wisner, B., Blaikie, P., Cannon, T., & Davis, I. (2004). *At risk: Natural hazards, people's vulnerability, and disasters* (2nd ed.). London: Routledge.
- Zhu, D., Xie, X., & Gan, Y. (2011). Information source and valence: How information credibility influences earthquake risk perception. *Journal of Environmental Psychology*, 31(2), 129-136.